

آسیب‌شناسی حوزه انقلابی

محسن مهاجرنیا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۵

چکیده

عقلانیت حوزه انقلابی از پیوند وثیق حوزه با نظام اسلامی شکل گرفته است. مهم‌ترین شاخصه‌های این عقلانیت در نقش تولیدی به‌روز و متناسب با نیاز در دستگاه معرفتی و ظرفیت اجتهادی حوزه عبارت‌اند از قدرت آینده‌نگری در چارچوب منظومه فلسفه سیاسی اسلام، توانایی حل تعارضات درونی و تزااحات خارجی، آزاداندیشی دینی و رهایی از تعصب، تحجر، تصلب و قشری‌گری و واپس‌گرایی و مدیریت حل بحران‌ها و عبور از گسل‌ها و گسست‌های فکری و سیاسی، و تحکیم وفاداری‌ها و سامان‌دادن به التزامات فکری و اعتقادی. این شاخصه‌ها، سبب پویایی و پایایی حوزه در عرصه حیات سیاسی شده است. چالش‌هایی که باعث دورشدن حوزه از آزاداندیشی دینی، ایجاد تعصب و تحجر، ناکارآمدی و انسدادهای فکری، و فقدان آینده‌نگری و خدشه در وفاداری سیاسی می‌شود، به عنوان مهم‌ترین آسیب‌های تفکر سیاسی حوزه انقلابی تلقی می‌شوند.

کلیدواژه‌گان: انقلابی‌گری، آسیب‌شناسی، تفکرسیاسی، حوزه انقلابی.

سپهر سیاست

سال چهارم

شماره چهاردهم

زمستان ۱۳۹۶

* استادیار، گروه علوم سیاسی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران

رایانامه: Mohajernia@gmail.com

این مقاله در قالب همایش علمی «حوزه انقلابی؛ مسئولیت‌های ملی و فراملی» که از سوی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی) در اسفندماه ۱۳۹۶ برگزار خواهد شد، تهیه و تدوین شده است.

آسیب‌شناسی به نوعی از مطالعات علمی اطلاق می‌شود که در آن آفت‌ها، بیماری‌ها و اختلال‌ها، کج‌روی‌ها، کژاندیشی‌ها، ناتوانی و ناکارآمدی‌ها در یک ارگانیسم بررسی می‌شود. به همین دلیل این نوع مطالعه را از سنخ مطالعات زیست‌شناختی می‌دانند که در آن یک دستگاه اندام‌واره‌ای از عملکرد صحیح یا مناسب منع شده است (هورنای، ۱۳۸۲، ص ۹۲۸). اصولاً در مطالعات آسیب‌شناسانه به بررسی دقیق عوامل زمینه‌ساز، پدیدآورنده، ثبات‌بخش روانی، فیزیولوژیکی، بیولوژیکی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و پیامدهای آن‌ها پرداخته می‌شود. هدف اصلی چنین مطالعاتی، تکمیل و تأمین فرایندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها است. در علوم اجتماعی با مشابهت‌سازی‌هایی که میان کالبد انسانی و کالبد جامعه و بیماری‌های عضوی و بحران‌های اجتماعی انجام می‌گیرد، گرایش مطالعاتی جدیدی به نام «آسیب‌شناسی اجتماعی»^۱ برای مطالعه عوامل و ریشه‌های بی‌نظمی‌ها و بیماری‌های اجتماعی پدید می‌آورد. این گرایش مفهوم جدیدی است که از علوم زیستی به عاریه گرفته شده و مبتنی بر تشابهی است که متفکران، بین بیماری‌های عضوی و انحرافات اجتماعی قائل می‌شوند (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۶). در زیرشاخه آسیب‌شناسی اجتماعی، گرایش جدیدی با عنوان «آسیب‌شناسی دینی» ایجاد شده است که درصدد مطالعه، شناخت و پیشگیری کج‌روی و جلوگیری از بحران‌هایی است که با انتظار منطقی از دین، جامعه دینی و ماهیت اسلام سازگاری ندارد. بنابراین، آسیب‌شناسی دینی «یعنی شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی که بر اعتقاد و باور دینی و یا آگاهی و معرفت دینی و یا عملی در رفتار جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است، وارد شود» (دژاکام، ۱۳۷۷، ص ۴). شایان ذکر است آسیب‌ها و بحران‌ها و به تبع آن، پیشگیری و درمان آن‌ها به دو شاخه تعلق دارد: نخست به ماهیت دین و دوم به تحقق خارجی دین. ماهیت دین عبارت است از مجموعه حقایقی که به وسیله خداوند توسط پیامبران الهی برای هدایت انسان‌ها نازل شده است. ماهیت دین به لحاظ اعجاز قرآنی از



انحراف و اعوجاج مصون ولی در ناحیه روایات از طرف دروغ‌پردازان و جاعلان حدیث به آسیب‌های فراوانی مبتلا شده است؛ اما بخش دوم از آسیب‌ها که به تحقیق خارجی دین مربوطند، عبارت‌اند از آنچه در جامعه متدینان جریان دارد و نهادهای اجتماعی و روابط میان دین‌داران را پدید آورده است. موافقان، مخالفان و مذاهب متنوع را شکل داده است. این حقایق و امور خارجی اگرچه به دین منسوب‌اند ولی تنها زائیده ماهیت دین نیستند، بلکه ده‌ها عامل فرهنگی، اجتماعی و روانی نیز بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد (خسروپناه، ۱۳۸۸، ص ۲۸). نگارنده در نظر دارد بر اساس همین رویکرد آسیب‌شناسانه و با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، به عنوان بزرگ‌ترین آسیب‌شناسان حوزه انقلابی، آسیب‌های اساسی این نهاد دینی را شناسایی و تبیین کند.

مفهوم حوزه انقلابی

نظر به اینکه در سال‌های اخیر، حوزه انقلابی و مشکلات و آسیب‌های آن، مکرراً توسط آیت‌الله خامنه‌ای مطرح شده است. تأملی در متون نظری سیاسی ایشان، بیان می‌کند انقلابی بودن به چند معنا به کار رفته است:

الف) تعریف به ویژگی‌های احساسی: انقلابی بودن به معنای برخورداری از اوصاف هیجانی و پرتحرک که خودبه‌خود انرژی، شور و احساس دارد؛ «روحیه و آرمانی که هیچگاه در برابر زورگویی دشمن تن به سازش کاری و تسلیم نداده و در برابر توطئه استکبار دچار غفلت نشده و به پیام جهانی انقلاب اسلامی بی‌اعتنا نباشد» (شریفی، ۱۳۹۶). با این روحیه حوزه مانند «کوره آتش‌فشانی است که همین طور دارد انرژی انقلابی را صادر می‌کند از خودش» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۴/۲۳).

ب) تعریف به کنش فعالانه: انقلابی بودن به معنای کنش فعالانه در همه عرصه‌های انقلاب اسلامی است. یعنی هر جا انقلاب از آن‌ها متوقع بود، حضور داشته باشند (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۶۸/۴/۲۳).

ج) تعریف بر اساس پابندی به انقلاب اسلامی: انقلابی بودن به معنای التزام فکری و عملی به مبانی، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی است (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵/۳/۱۴). بر اساس این تعریف، انقلابی کسی است که

در هر دو بعد نظر و اقدام در میدان انقلاب حضور دارد و به او «انقلابی مثبت» گفته می‌شود؛ اما اگر تنها به لحاظ التزام فکری و نظری باشد و در عرصه عمل حاضر نشود او را «انقلابی منفی» نام‌گذاری کرده‌اند (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹/۱۲/۹). با این استثنا، انقلابی‌گری امری نسبی است به‌طوری‌که «ممکن است یک نفر نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی بهتر حرکت کند، یک نفر به آن خوبی حرکت نکند، اما در همان راه دارد حرکت می‌کند. اینکه ما هر کسی خوب حرکت نکرد، یا به‌طور کامل حرکت نکرد را متهم بکنیم به غیر انقلابی یا ضد انقلابی این هم خطا است، ممکن است یک نفری صد درجه میزان حرکت او ارزش دارد، یک نفری کمتر ارزش دارد، یک نفری از او کمتر ارزش دارد، اما همه در این راه حرکت می‌کنند» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

د) تعریف بر اساس رویکرد جامع اوصاف و التزامات فکری، اعتقادی و عملی: گاهی حوزه انقلابی به ویژگی‌هایی توصیف و تعریف شده است که برخی مربوط به ابعاد نظری و فکری حوزه، و بخشی جنبه اعتقادی دارند و برخی صفات برجسته آن هستند. بنابراین، تعریف حوزه انقلابی عبارت است از «عادلان، خردمندان، دقیق، دلسوزانه، منصفانه، قاطعانه و بدون رودربایستی عمل کردن» (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵/۴/۹).

در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای برای توصیف مفهوم «حوزه انقلابی» سه قید به‌کار رفته است، که عبارت‌اند از (بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵/۳/۱۴):

۱. انقلابی بودن حوزه، مقول به تشکیک است؛
 ۲. انقلابی بودن حوزه، شامل انقلابی مثبت و منفی است؛
 ۳. انقلابی بودن حوزه، شامل ابعاد نظری و عملی است.
- به نظر می‌رسد وجه جامع تعریف‌ها از منظر مقام معظم رهبری، آن است که حوزه انقلابی در تراز انقلاب اسلامی حوزه‌ای است که با برخورداری از اعتقاد و آگاهی نسبت به مبانی، اصول، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب اسلامی، در عرصه اقدام به تناسب شرایط با بیشترین شور، انرژی و روحیه مقاومت، التزام خویش را در تبیین، دفاع و جانفشانی در راه انقلاب اسلامی داشته باشد.

آسیب‌شناسی حوزه علمیه

مقصود از «آسیب‌شناسی حوزه» آن است که حوزه علمیه به مثابه یک نهاد دینی



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

و علمی با پیکره‌ای واحد، از ناحیه عوامل متعدد درونی و بیرونی در معرض آفات، موانع، تهدیدات و مشکلاتی است که با هدف سالم‌سازی، این عوامل شناسایی و زمینه‌های دفع و رفع آن‌ها پیشنهاد می‌شود. این آسیب‌ها ممکن است از سنخ معرفتی و روشی، مانند ناکارآمدی در روش اجتهادی، تحریف، بدعت، غلو، خرافه، عقل‌گرایی افراطی، اخباری‌گری باشد (دژاکام، ۱۳۷۷، ص ۴)، که در همه عرصه‌های اعتقادی، اخلاقی، فقهی رسوخ کرده‌اند؛ و ممکن است، آسیب‌های روان‌شناختی یا کارکردی باشد که به عالمان دینی و حوزه‌های علمیه برمی‌گردد. برای مثال رویکرد جداانگاری دین و دنیا، دین و سیاست و تحدید قلمرو دین به امور فردی، نفوذ سنت‌های منفی، تقلید و پیروی از گذشتگان، مقدس‌مآبی متحجرانه، ارائه فهم معیوب از دین، غفلت از عنصر زمان و مکان در دین، عدم پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی از جمله آسیب‌هایی است که حوزه را تهدید می‌کند و ممکن است در حوزه‌های دیگری مانند تشکیلات و ساختار و سیستم آموزشی، پژوهشی و تبلیغی باشد.

شناخت آسیب‌ها و آفاتی که دامن‌گیر نهادهای دینی مانند حوزه‌های علمیه و نهاد روحانیت شده است، اهمیت ویژه‌ای دارد. به گفته شهید مطهری کسانی که آرزوی اعتلای آیین مبین اسلام را در سردارند و درباره علل ترقی و انحطاط مسلمین در گذشته دور و نزدیک می‌اندیشند، نمی‌توانند درباره دستگاه رهبری آن یعنی سازمان مقدس روحانیت نیندیشند و آرزوی ترقی و اعتلای آن را در سر نداشته باشند و از مشکلات و نابسامانی‌های آن رنج نبرند؛ زیرا مسلم است که اگر هرگونه صلاح و اصلاحی در کار مسلمین رخ دهد، یا باید به‌طور مستقیم، به وسیله این سازمان که سمت رهبری دینی مسلمین را دارد، انجام گیرد، یا دست‌کم با این سازمان هماهنگی داشته باشد (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۴۸۳). بنابراین، بر حوزه‌های علمیه و عالمان دینی فرض است که با اجتهادی پویا در همه زمینه‌های فلسفی، کلامی، فقهی و قرآنی، اسلام را متناسب با نیازهای بشر امروز عرضه کنند و با نگاهی عالمانه به استقبال پرسش‌ها و شبهات جدید بشتابند.

آسیب‌شناسی در این تحقیق، کنکاشی درصدد مطالعه و بازشناسی اندام‌واره حوزه و عوامل بحران، آفت، اختلال، بی‌نظمی، ناکارآمدی و ناهنجاری‌هایی تهدیدکننده است تا موانع تداوم و حرکت منظم و استکمالی حوزه را شناسایی کرده و راه رسیدن به اهداف و آرمان‌های متعالی حوزه را تسهیل کند. وجود چنین

آسیب‌هایی در حوزه سبب شده است تا بسیاری از حوزویان در مقام احیای سنت‌های عالمانه و اجتهادی برآیند و جمعی نیز با این پیش‌فرض که آسیب‌های حوزه نه از راه احیا، بلکه نیاز به ترمیم و اصلاح دارند و جمع دیگری به سطحی از تحول در روش‌ها و رویکردهای حوزه معتقدند. امام راحل (ره) با سابقه‌ای طولانی در آسیب‌شناسی حوزه بر این باور بودند که رسوخ افکار جریان‌های انحرافی، این شجره طیبه را گرفتار آفت‌هایی نظیر آخوندهای درباری، ولایتی‌های بی‌ولایت، متنسکین، متحجرین، متهتکین، مقدس‌مآبان، معتقدین به جدایی دین از سیاست کرده است، که بعد از انقلاب اسلامی ایشان در منشور روحانیت و حوزه‌های علمیه با نام‌گذاری آن‌ها به «اسلام آمریکایی» در مقابل «اسلام ناب محمدی» آسیب‌شناسی خویش را ارائه دادند (بیانات امام خمینی (ره)، ۱۳۶۷/۱۲/۳). بعد از ایشان، مقام معظم رهبری با عنایت به ظهور ناکارآمدی‌های در بخش‌های معرفتی و رفتاری، خواهان تحول جدی در حوزه شدند، تا جایی که ضرورت تحول را اجتناب‌ناپذیر معرفی کردند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۹/۸). ایشان با تأکید بر دیدگاه امام راحل، «اسلام ارتجاعی، متعصب، بدون فهم حقایق معنوی و دچار جمود در ظواهر» را نمود واقعی تفکرات انحرافی برشمردند و افزودند: در لبه دیگر این قیچی، «اسلام التقاطی» و «اسلام آمریکایی» مشغول مقابله با «اسلام ناب» هستند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۲/۲۵)، و با ارائه دو رویکرد «حوزه انقلابی» و «حوزه غیرانقلابی» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵)، راه حل اصلاح آسیب‌های موجود را بازگشت به حوزه انقلابی دانستند. در جای دیگر، فرمودند: «علت تأکید مکرر بر ضرورت انقلابی‌بودن حوزه‌های علمیه این است که استمرار حرکت صحیح و انقلابی کشور و جامعه، بدون حضور مستمر روحانیت امکان‌پذیر نیست» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۲/۲۵).

رهبر انقلاب، «درک اسلام ناب و متکی بر کتاب و سنت» را با ابزار خرد و اندیشه اسلامی، وظیفه مهم روحانیون برشمردند و افزودند: راه انبیاء، ترویج این تفکر اصیل است و روحانیون نیز ادامه دهنده همین راه سعادت بخش یعنی هدایت دینی مردم هستند.

رسالت این تحقیق بر اساس عقلانیت و شاخصه‌های حوزه انقلابی، شناسایی مهم‌ترین آسیب‌های سیاسی است که مانع دستیابی به حوزه انقلابی بر مبنای اسلام ناب محمدی (ص) است. طبیعی است آسیب‌شناسی هر پدیده، مسبوق به شناسایی



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

دقیق چیستی آن، قبل از عارض شدن آسیب است. پاتولوژی در علم پزشکی بر مبنای اصل «سلامت کامل اندام» انجام می‌گیرد. یعنی قبل از آسیب‌شناسی حوزه انقلابی، آگاهی نسبت به اصل «حوزه انقلابی» و عقلانیت حاکم بر آن در حد اجمال لازم است. بنابراین، ابتدا شاخصه‌های اصل «حوزه انقلابی» که طبق بیانات مقام معظم رهبری که فرمودند «انقلابی‌گری در حوزه علمیه قم در معرض خطر است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵)، بیان می‌شود. سپس، موارد این خطر به مثابه آسیب انقلابی‌گری تبیین خواهد شد.

شاخصه‌های حوزه انقلابی

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، انقلابی‌بودن، چه به معنای بینش و چه در معنای کنش یا التزام، شاخصه‌هایی دارد. ایشان در بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام راحل با بیان اینکه انقلاب مال همه است، انقلاب شطی جاری است و همه می‌توانند انقلابی باشند، و همه باید انقلابی باشند تا بتوانیم این راه را با موفقیت پیش برویم؛ فرمودند: «شاخص‌های انقلابی‌گری هم خیلی مهم است؛ یعنی واقعاً باید بدانیم شاخصه‌ها چیست؟ شاخصه‌های انقلابی‌گری را درست پیدا کنیم، در ذهن خودمان مشخص بکنیم از کسانی که مطلع‌تر هستند، بپرسیم، اگر این کارها انجام بگیرد، این ماندگاری انقلاب، بدون تردید، خواهد بود» (شریفی، ۱۳۹۵). در همان مراسم ایشان پنج شاخصه برای انقلابی‌گری، به صورت کلی، که اعم از انقلابی‌حوزوی و غیرحوزوی است، معرفی کردند (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۳/۱۴):

۱. شاخصه پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب؛
۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت بلند برای رسیدن به آن‌ها؛
۳. شاخصه پایبندی به استقلال کشور؛
۴. شاخصه حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن؛
۵. شاخصه تقوای دینی و سیاسی.

و در مواضع دیگر، موارد دیگری مانند تحول‌پذیری و مدیریت کارآمد آن در حوزه (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۹/۸)، آینده‌نگری (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۹/۸)، آزاداندیشی به مثابه یک عرف جاری در حوزه‌های علمیه (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۹/۸)، و عقلانیت، به‌کارگرفتن خرد، تدبیر، فکر و محاسبات، در مکتب امام (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۳/۱۴) را هم بر آن پنج

شاخص افزودند. جامع‌ترین متنی که دیدگاه ایشان در باب حوزه انقلابی در آن تجمیع شده است. پاسخ‌نامه معروف به «نهضت نرم‌افزاری در حوزه» است که در آن شاخصه‌ها و بایسته‌های نهضت نرم‌افزاری در حوزه به شرح ذیل بیان شده است:

۱. ایجاد نشاط اجتهادی؛
۲. تولید فکر علمی و دینی؛
۳. شجاعت نظریه‌پردازی و مناظره روشمند؛
۴. وفاداری به اصول، اخلاق و منطق؛
۵. آزاداندیشی، مناظره، نقد و ...؛
۶. تعیین حد و حدود آزادی، اخلاق و منطق؛
۷. آزادی بیان، مقید به منطق و اخلاق؛
۸. رواج حریت، تعادل، عقلانیت و انصاف، در مباحث علمی؛
۹. تضارب آرا و عقول؛
۱۰. شناخت شبهات و پاسخگویی به آن‌ها؛
۱۱. حمایت از نهضت نرم‌افزاری؛
۱۲. تولید نظریه در چارچوب اسلام؛
۱۳. تبدیل «تولید نظریه و فکر» به ارزش عمومی در حوزه؛
۱۴. حمایت از نظریه‌پردازی و نظریه‌پردازان؛
۱۵. اعاده هویت و عزت جهان اسلام؛
۱۶. بهره‌گیری از مساعدت مراجع عظام؛
۱۷. همکاری و مشارکت فعال استادان و محققان برجسته حوزه؛
۱۸. نقد متون ترجمه‌ای؛
۱۹. خلاقیت و تولید در عرصه علم؛
۲۰. نهادینه‌سازی مناظرات علمی و «نظریه‌پردازی در حوزه».

مجموعه این شاخصه‌ها نشان‌دهنده آن است که انقلابی‌گری، فقط به شعارهای ظاهری و ظهور کنش و واکنش‌های مقطعی و صرف جهت‌گیری‌های آرمانی و موضوع‌گیری شعاری در مقابل دشمن نیست، بلکه اتصاف به خصلت انقلابی‌گری، منوط به آن است که «شناخت صحیح و التزام نظری» نسبت به بنیادهای اعتقادی، معرفتی، بینشی و ارزشی اسلام و انقلاب ایجاد شود و «وفاداری، پایبندی و التزام



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

عملی» به آن‌ها برقرار شود، تا بر اساس آن‌ها، جهت‌گیری غائی و آرمانی انقلاب اسلامی، تنظیم و «با استفاده از همه ظرفیت‌ها و فرصت‌ها» دستیابی به آرمان‌های متعالی در نظر گرفته شود. حرکت انقلابی دقیق، مستحکم و مستمر از «مبدأ بینشی» تا «غایات آرمانی» مستلزم برخورداری از «پایبندی» به استقلال کشور، «دشمن‌شناسی» صحیح و «حساسیت» در مقابل دشمنان و «التزام عملی» به تقوای دینی و سیاسی است. تحلیل شاخصه‌های یادشده خواننده را به این حقیقت رهنمون می‌شود که اگر شاخصه‌های یادشده دچار مشکل شوند، هویت «انقلابی‌گری» هم در دام آسیب‌ها گرفتار می‌شود. بنابراین، باید گونه‌های آسیب‌شناسی مشخص شوند تا با عنایت به همین شاخصه‌های یادشده، بتوان از جایگاه رفیع انقلابی‌گری، آسیب‌شناسی و راهکارهای خروج از آن را معرفی کرد.

گونه‌شناسی آسیب‌های سیاسی حوزه

در تبیین گونه‌شناسی اشاره به چند نکته اساسی ضروری است:

- آسیب‌شناسی امری انتزاعی نیست، بلکه واقعیتی است که عارض بر اندیشه یا عمل انقلابی می‌شود. بنابراین، نگارنده تلاش کرد بخشی از آسیب‌ها را به‌طور مستقیم از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای استخراج کرده، و بخشی را هم از مجموعه‌ای از آسیب‌های مطرح‌شده توسط وی انتزاع کند.

- روشن است موارد و مصادیقی که برای تحقق «آسیب» بیان می‌شود، همه در یک سطح و رتبه نیستند. برخی آسیب‌ها ممکن است بسیار مهم و در برابر «انقلابی‌گری» تأثیر زیاد داشته، و برخی از آن‌ها بالعکس اهمیت کمتر و تأثیرگذاری جزئی داشته باشند.

- برخی آسیب‌ها ممکن است ماهیت فکری و اندیشگی داشته، و برخی به حوزه عمل مربوط باشند.

- برخی آسیب‌ها ممکن است سبب تضعیف اهداف و آرمان‌ها باشند، و برخی مبانی اعتقادی و فکری را تخریب کنند.

- همان‌طور که در شاخصه‌ها بیان شد، مهم‌ترین آفات و آسیب‌های تفکر انقلابی‌گری در نامه معروف به نهضت نرم‌افزاری، بیان شده است که بخشی از آن به شرح ذیل است:

۱. پیدایش روحیه یاس و ناامیدی؛

۲. جمود و تحجر؛
۳. خودباختگی علمی و فرهنگی؛
۴. هتاکی و مسئولیت‌گریزی؛
۵. فروغ‌لپیدن در مرداب سکوت و جمود؛
۶. شتابزدگی؛
۷. هرج و مرج فکری و علمی؛
۸. جدال و مراء؛
۹. افتادن در گرداب هرزه‌گویی و کفرگویی؛
۱۰. سیاست‌زدگی و سیاست‌زدایی؛
۱۱. نفوذ صاحبان قدرت، ثروت و تریبون؛
۱۲. گسترش فرهنگ فاسد بیگانه؛
۱۳. منزوی شدن صاحبان خرد و اندیشه؛
۱۴. انفعال و عقب‌گرد جامعه و حکومت؛
۱۵. ترجمه افکار غرب.

تجمع همه آسیب‌ها در یک مقاله بسیار دشوار است. از این رو، تلاش شد تا با ترکیب و ادغام موارد یادشده به شناسایی آسیب‌های مهم و جامع اقدام شود. در نهایت، مأموریت این مقاله در تبیین پنج آسیب اساسی «کاستی در تولید اندیشه و دانش»، «فقدان آینده‌نگری»، «گرفتار تحجر»، «فقدان سازوکارهای حل تعارض و تراحم» و «ضعف در وفاداری به نظام سیاسی» متمرکز شد.

الف) آسیب‌های عدم تولید اندیشه و دانش

حقیقت آن است که محوری‌ترین وظیفه حوزه «تولید معرفت دینی» است و جایگاه انقلابی‌بودن حوزه پیوند وثیقی با میزان مشارکت حوزه در تولید علم دینی و انسانی دارد. به باور نگارنده، اتصاف حوزه به ویژگی «انقلابی‌گری» در عرصه دانش و اندیشه زمانی محقق می‌شود که حوزه بتواند با فعال‌سازی دستگاه معرفتی و اجتهادی خویش در همه عرصه‌های زندگی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی حضور فعال داشته باشد و با رصد نیازها و ضرورت‌ها، دانش، اندیشه و نظریه متناسب آن را شناسایی و بهنگام تولید کند (علی‌پور وحید، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲). به‌طوری که اگر حوزه نتواند «دانش‌های» متناسب با نیازهای جامعه و ضرورت‌های



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

«نظام اسلامی» و آرمان‌ها و ارزش‌های «انقلاب اسلامی» را تولید کند، اساسی‌ترین پایه تفکر «حوزه انقلابی» و «انقلاب اسلامی» دچار تزلزل می‌شود. به تعبیر مقام معظم رهبری «نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه‌های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آن‌هاست... و از طرفی حوزه و روحانیت هم نسبت به نظام دینی بی تفاوت نیست و نمی‌تواند خود را بیگانه به حساب بیاورد... نظریه پردازی سیاسی و نظریه پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند، و دین را بشناسند» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۷/۲۹).

بنابراین، ضرورت تولید دانش و نظریه پردازی در حوزه از دو بعد بیرونی (پاسخ به اقتضانات، تغییرات و نیازهای جامعه اسلامی) و درونی (بهبود کیفیت نظام آموزش، تبیین، تبلیغ و دفاع عالمانه از اسلام) مورد توجه است. با مرور اجمالی وضعیت موجود علوم اسلامی و انسانی، و مقایسه تولیدات با نیازها، به خوبی می‌توان دآوری کرد که شکاف عمیقی میان عرضه و تقاضای دانش انسانی - اسلامی وجود دارد و این وضعیت برای حوزه‌های علمیه رضایت‌بخش نیست. کنکاش در شواهد موجود نشان می‌دهد مدیریت پژوهش که متصدی راهبری عرصه تولید علم دینی است، جوان‌ترین معاونت در مدیریت حوزه علمیه است. با وجود افزایش مؤسسات و مراکز آموزشی و پژوهشی در سال‌های اخیر، متناسب با آن، افزایشی در تولید علم و رفع نیازها و تقاضاها صورت نگرفته است. نگارنده بر این باور است که دلایل این کاستی‌ها، به آسیب‌های ذیل برمی‌گردد:

۱. فقدان نقشه جامع علمی در حوزه؛

۲. ابهام در جایگاه تولیدی حوزه؛

۳. ضعف شدید در مهندسی علم، مدیریت پژوهش و ساماندهی پژوهشگران؛

۴. گسست میان واقعیت‌ها و نیازها با دستگاه تولید اندیشه.

همین آسیب‌ها سبب شده است حوزه نتواند نظریه‌های پشتیبان و بدیل در عرصه حیات اجتماعی تولید کند و پایه‌پای انقلاب اسلامی پاسخگوی نیازهای معرفتی باشد، و به همین دلیل، یکی از آسیب‌های جدی در ضعف اتصاف به «انقلابی‌گری» حوزه، ضعف یا ناتوانی در «تولید علوم انسانی - اسلامی» متناسب با شرایط نظام اسلامی و انقلاب اسلامی است.

ب) فقدان سازوکارهای حل تعارضات و تزاخمت

مسئله تعارض و تزاخم و چگونگی مواجهه با آن در مرحله تفکر و تحقق، به اندازه‌ای مهم است که می‌توان این نوع تعارض‌ها را محل تجلی «عقلانیت اجتماعی» دانست. مقصود از تعارض آن است که مضمون نظریه‌های علمی یا مدلول دو یا چند دلیل لفظی قطعی با یکدیگر تنافی داشته باشند، به طوری که مضمون هر یک نفی مدلول و مضمون دیگری باشد، و عرف در نگاه اولیه جمع میان آن‌ها را امکان‌ناپذیر بداند. برای نمونه، دو نظر در باب سیاسی بودن حوزه وارد شده است که یکی از آن دو می‌گوید: «حوزه باید سیاسی و انقلابی باشد» و دیگری می‌گوید: «حوزه نباید به سیاست آلوده شود» و مقصود از تزاخم، هم‌ناسازگاری و تمناع دو حکم و دو تکلیف در «مقام عمل» است که ناشی از قدرت نداشتن حوزه به مثابه مکلف، بر انجام دادن آن دو باشد (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۲۴۲). در علم «اصول فقه» که از دانش‌های حوزوی است، مقوله‌ای با عنوان تعارض ادله و تزاخم احکام وجود دارد که برای حل آنها هم بایی به عنوان «تعادل و تراجیح» طراحی شده است. اگرچه به لحاظ روشی، این موضوع اختصاصی به علم فقه ندارد و در همه علوم انسانی و اسلامی قابل استفاده است، مع الوصف یکی از راه‌های خروج از بن‌بست‌ها و نشان دادن روحیه انقلابی و حضور در صحنه زندگی اجتماعی برای حوزه‌های علمیه، قدرت حل این تعارضات و تزاخمت است (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۲۹۵). در چنین وضعیتی به لحاظ شرعی و اخلاقی الزاماً باید یکی از دو یا چند بدیل و گزینه را جداگانه اختیار کند و چون نمی‌شود هر دو یا همه آن‌ها را با هم برگزیند. اصولیون می‌گویند اگر یکی از الزامات متعارض بر الزام دیگر ترجیح داشته باشد، با معضل و چالش جدی مواجه نیستیم. اما اگر تعارض و تزاخم قابل حل نباشد، به طور طبیعی با بن‌بست مواجه می‌شود؛ و معضلات و مشکلات مانع بر سر راه ایجاد می‌شوند. همان طوری که در معضلات اخلاقی گفته‌اند «معضلات اخلاقی عبارت‌اند از تعارض‌های غیر قابل حل میان الزامات اخلاقی» (مجموعه مقالات، ۱۳۸۰، صص ۱۳۱-۱۳۰)، تاریخ تفکر اجتماعی و سیاسی با همگونی‌ها و ناهمگونی‌هایش شناخته می‌شود (دوورژه، ۱۳۶۷، ص ۳۰). مسئله تعارض و تزاخم در همه عرصه‌های فکری، اخلاقی، فقهی و حقوقی به مثابه حقایق و واقعیات زندگی اجتماعی وجود دارد. اهمیت آن زمانی جدی می‌شود که تعارضات در قلمرو جامعه و سیاست و در پیوند با حکومت



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

باشند. در این موارد، لازمه ترجیح هر طرف، پرداخت هزینه‌های سنگین در ابعاد ملی و باور همگانی است. برای نمونه، در جنگ تحمیلی هشت ساله، دشمن ملتزم به اصول انسانی و اخلاقی نبود و برای پیروزی از هیچ نیرنگ ناجوانمردانه‌ای دریغ نمی‌کرد، برای ایجاد جنگ روانی و تخریب عقبه انسانی، شهرها و مناطق مسکونی را بمباران می‌نمود و روزانه صدها انسان بی‌گناه را به خاک و خون می‌کشید. تنها راه خاتمه‌دادن به این تهاجم، مقابله به مثل و بمباران شهرهای کشور متجاوز بود. اگر فرض کنیم در این بمباران‌ها انسان‌های بی‌گناه زیادی کشته می‌شدند. بر اساس اندیشه انقلاب اسلامی، چه تصمیمی باید گرفت؟ در چنین تعارض‌هایی که طرفین آن از درجه الزام و اهمیت بالایی برخوردارند و با زیرپا گذاشتن هر یک از طرفین، هزینه زیادی پرداخته می‌شود، چه باید کرد؟ امروزه امثال این نزاحمات در جامعه اسلامی و نظام اسلامی، فراروی حوزه‌های علمیه قرار دارد که موظف به حل آن است و «شاخصه انقلابی‌گری حوزه» محسوب می‌شود و ناتوانی در تصمیم‌گیری انقلابی و بهنگام، آسیب بزرگی برای حوزه انقلابی است. در تعارضات اجتماعی سیاسی که یکی از طرفین تعارض، مصداق قطعی یک الزام سیاسی است و انجام‌دادن هر دو تکلیف سیاسی متعارض بدون ترجیح، غیرممکن است و ترک هر دو تکلیف هم به نادیده‌گرفتن قطعی تکلیف منجر می‌شود (دوورژه، ۱۳۶۷، ص ۳۰). تصمیم‌گیری روشن کار دشواری است، اگرچه گفته شده است، تعارض‌های سیاسی دوگونه‌اند که عبارت‌اند از:

الف) تعارض بدوی و حداقلی، که در بدو امر بین دو گزاره سیاسی تعارض دیده شود ولی از طریق ترجیح یکی از طرفین تعارض، قابل حل باشد و وظیفه اصلی، انجام‌دادن طرف راجح است. آن را تعارض حداقلی گویند.

ب) تعارض عمقی یا حداکثری، تعارضی است که بدلیل عدم ترجیح یکی از طرفین نمی‌توان وظیفه اصلی را تشخیص داد. این تعارض‌ها به چالش حل‌نشده سیاسی تبدیل می‌شوند.

امروزه تصور از حوزه انقلابی آن است که با حضور فعال در همه عرصه‌های داخلی و خارجی در مواجهه با تعارض‌ها و نزاحم‌هایی که در قلمرو وظایف اوست، با سکوت یا انکار تعارض، از کنار آن نگذرد، بلکه با درک درست واقعیت تعارض‌ها و تلاش برای حل آن‌ها، همراهی با نظام اسلامی و درصحنه‌بودن و «انقلابی عمل‌کردن» خود را نشان بدهد. تشخیص اهم و مهم و ترجیح احکامی که

تقدم زمانی دارند، احاله‌دادن به تشخیص مکلف و دنبال مناظ ارجحیت، همه اینها نیازمند اجتهادی پویا، کارآمد و انقلابی است. در آسیب‌شناسی حوزه انقلابی بعد از انقلاب اسلامی، موارد عدیده‌ای از این تعارضات در مقام تشخیص وظیفه ایجاد شده است که دستگاه معرفتی حوزه هنوز نتوانسته است، برای آن تدبیری بیندیشد. تزامم برخی فتواها با «احکام حکومتی» ولی فقیه مانند ماجرای رؤیت هلال ماه مبارک رمضان، ماجرای فتاوی ربوی بودن یا نبودن بهره‌های بانکی، ماجرای فتواهای مربوط به موسیقی و شطرنج و نماز جمعه در نظام اسلامی و پرداخت خمس به ولی فقیه یا مرجع تقلید و ده‌ها موضوع و مسئله دیگر بلا تکلیف، همه از سنخ اموری است که در مقام عمل شهروندان متدین و مکلفان در جامعه اسلامی را دچار تحیر و سرگردانی کرده است و احاله به احتیاط، مشکلی از جامعه اسلامی را حل نمی‌کند. این وضعیت علمی و عملی ناکارآمد، نیازمند تحول اساسی و انقلابی است امروزه در نظام اسلامی توقع آن است که سازوکارهای کارآمدسازی در دستگاه فقهی و اجرایی حوزه در مسیر حل این تعارضات علمی و رفع این تزاممات عملی به‌کار گرفته شود.

ج) گرفتاری در دام تحجر و تصلب

با توجه به توصیف‌هایی که برای حوزه انقلابی بیان شد، به نظر می‌رسد انقلابی بودن، و تراز منطقی حوزه علمیه در طرفین آن دو خصلت افراط و تفریط، تحجر و انفعال قرار می‌گیرد. این دو از مهم‌ترین آسیب‌هایی هستند که حوزه علمیه را تهدید می‌کنند. تحجر دینی اندیشه را به انسداد و انجماد، و اندیشمند را به تصلب، تعصب، تنگ‌نظری، قشری‌گری و روش‌اندیشیدن را به تعصب و سترونی می‌کشاند و انفعال عالمان دینی، تفکر و متفکر و روش او را به سوی تظاهر، از خود بیگانگی و بی‌هویتی می‌برد. بنابراین، این دو ویژگی در همه ابعاد، حوزه را دچار آسیب می‌کنند. امام راحل عظیم‌الشأن با قراردادن این ویژگی‌ها در مقابل «انقلاب اسلامی» و «اسلام ناب محمدی» فرمودند «روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژست تقدس‌مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احمق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

عزیز لحظه‌ای از فکر این مارهای خوش خط و خال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام امریکایی‌اند» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۷۸)، و آیت‌الله خامنه‌ای در وصف انقلابی‌بودن امام راحل فرمودند: «راه میان تحجر و خودباختگی راهی بود که امام انتخاب کرد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۲/۲۲)، و با تعریفی از «اصلاحات انقلابی» و پیشرفت و نوآوری بر اساس ارزش‌های انقلاب می‌فرمایند: «رکود، سکون و سکوت موجب ایجاد جمود، تحجر و کهنگی می‌شود و فقدان کارایی را به دنبال می‌آورد. از این رو، اگر نیروهای انقلابی بخواهند کهنگی به وجود نیاید و جامعه دچار ناکامی نشود، باید حرکتی روبه‌جلو داشته باشند. همان چیزی که من از آن به عنوان «اصلاحات انقلابی» و پیشرفت و نوآوری بر اساس ارزش‌های انقلاب یاد کرده‌ام» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۲/۲۳).

عقلانیت حوزه انقلابی، نافی هر گونه توقف، تسلف و انفعال و پافشاری غیرعقلانی و تحجر بر یک عقیده یا رفتار است. بستن دریچه ذهن و انسداد فکر و انقباض رفتار در قبال اندیشه‌های دیگر و بی‌اعتنایی به اندیشمندان، مسیری «غیرانقلابی» تلقی می‌شود و اگر حوزه علمیه به مثابه یک کلیت واحد، میزان پابندی و دلبستگی خود به یک عقیده را متناسب با قوت بینه‌ها و شواهد تأییدکننده آن عقیده نکند و نتواند برای مدعای خود دلیل درخور ارائه دهد، یا به میزانی در بند و تابع شخصیت‌های سلف یا ایدئولوژی خاصی قرار گیرد؛ بالطبع به همان نسبت از عقلانیت خویش فاصله گرفته و گرفتار سنگواره جمود و جزم‌گرایی شده است. به باور نگارنده، حوزه علمیه، زمانی می‌تواند وصف انقلابی‌بودن را به دست آورد که مرز خویش را با تحجر، مقدس‌مآبی، افراط و تفریط و رفتارهای غیرعقلانی مشخص کند (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۳۴۷).

شاخصه‌های تحجر سیاسی

کنکاشی در متون نظری «حوزه انقلابی» و به‌ویژه در اندیشه امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای، بیان‌کننده این حقیقت است که انقلابی‌بودن با «تحجر و مقدس‌مآبی»، مطلق‌اندیشانه و خردستیز در تنافی جدی است. برای تحجر غیرانقلابی ویژگی‌هایی به شرح ذیل بیان شده است:

الف) مقدس‌مآبی (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۰)؛

ب) انعطاف‌ناپذیری و سخت‌گیری (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۷۲)؛
پ) خردستیزی و عقل‌گریزی (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۰)؛
ت) عدم ادراک نقش اقتضانات عصری (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۰)؛

ج) جزم‌اندیشی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۳/۵)؛

ح) واپس‌گرایی (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص ۲۸۰)؛

خ) شخصیت‌زدگی؛

د) انتقادناپذیری (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۸/۲)؛

ذ) ایستادگی در برابر تحول انقلابی (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۹/۸).

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تحجر پناه‌گرفتن در زیر چتر تقدس است که به دلیل جزم‌اندیشی، قشری‌گری، واپس‌گرایی، به برداشت‌های محدود و ناقص بشری رنگ قداست می‌بخشد و همه عادات فکری و عاطفی خود را بر منطق و حقیقت، مقدم می‌شمرد. متحجران با رویکرد قشری خود در مسائل اخروی غرق می‌شوند و به شئون زندگی دنیا و نیازهای متحول و مقتضیات زمان و مکان بی‌توجه‌اند. به همین دلیل انعطاف‌ناپذیری، سخت‌گیری، عقل‌گریزی و به تعبیر مقام معظم رهبری، تحول‌ناپذیری را در حوزه به‌وجود می‌آورد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۹/۸).

مقام معظم رهبری با توجه به برخی شاخصه‌های تحجر که مانع تفکر انقلابی است، تصریح می‌کنند که «تحجر این است که کسی که می‌خواهد کار بزرگی با این عظمت [انقلاب اسلامی] را انجام دهد، نتواند نیازهای زمان و لوازم هر لحظه لحظه زندگی یک ملت را از قرآن بشناسد و بخواهد در یک وضعیت ایستا و بدون انعطاف حکم نماید و کار کند و پیش برود. این امکان‌پذیر نیست. معنای تحجر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام، برای بنای جامعه استفاده کند، به ظاهر احکام اکتفا کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور - که نیاز لحظه به لحظه است - نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد، این بلای بزرگی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۳/۱۷).

د) فقدان آینده‌نگری در چارچوب منظومه فکر سیاسی

تفکر سیاسی کارآمد و اندیشه‌ورزی خردمندانه همواره در زمان رخ می‌دهد و متناسب با زمان پیش می‌رود و ظرفیت آینده‌نگری و دوراندیشی را در درون



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

خویش می‌پروراند. بی‌تردید از دل روندها و تغییرات امروز، واقعیت فردا متولد می‌شود. شتاب تغییرات در زمان ما آنچنان سریع شده است که دیگر نمی‌توان با روش‌های سنتی با آن‌ها کنار آمد. بر اساس تجربه گذشته حوزه علمیه و وضعیت موجود آن، درباره آینده هیچ چشم‌انداز قطعی و یقینی وجود ندارد و اصولاً آینده، قرین به عدم قطعیت است. اما با برنامه‌ریزی عالمانه، می‌توان در سرنوشت آینده تأثیرگذار بود. حوزه علمیه امروز باید با شناسایی روندهای در حال ظهور و مسائل بالقوه و شناسایی نتایج احتمالی وقوع این روندها به تدوین سناریوها و گزینه‌های احتمالی درباره فرضیه‌های مختلف آینده اقدام کند؛ باید تلاش کند با تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل ثابت و تغییر، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن‌ها بپردازد. تفکر و تأمل در چشم‌انداز آینده برای سامان‌دهی به امور و اقدامات امروزی حوزه ضروری است. رویکردهای علمی و پژوهشی حوزه باید به سمتی جهت‌گیری شود که همه تلاش‌های خود را در راه شناخت و به‌خدمت‌گرفتن عوامل تغییر و ثبات به کار گیرد تا به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای آن بپردازد. برای نیل به این مهم، هیچ گزینه‌ای برای حوزه علمیه جز تمرکز بر «آینده‌پژوهی» وجود ندارد و باید همه بخش‌های آموزشی، پژوهشی، فرهنگی و تعاملات درونی و بیرونی خود را بر تراز این رویکرد قرار دهد. زیرا آینده‌پژوهی بازتاب‌دهنده چگونگی زایش واقعیت «فردا» از دل تغییر یا ثبات «امروز» حوزه است. تصویرهای آینده، پیش‌ران‌های اقدامات امروز ما هستند؛ بنابراین، آینده امری است که حوزه علمیه می‌تواند آن را با اقدامات هدفمند خود طراحی کند و شکل دهد. برای آنکه خردمندانه عمل شود، باید نسبت به پیامدهای اقدامات خود و دیگران آگاهی و شناخت کافی داشت. این خردمندی تجربه‌ای است که به ما می‌آموزد در دام تصلب و تحجر تک‌نگری نسبت به آینده نباید گرفتار شد. حقیقت آن است که آینده، امری واحد، قطعی و کاملاً در چنگال ما نیست تا با خیال راحت برای آن برنامه‌ریزی کنیم. شعاع آینده بسیار متکثر و متنوع است. همان‌طوری که در علوم آکادمیک در زبان علمی واژه جمع «Futures» در «Futures Study» را به‌کار می‌برند تا نشان بدهند گمانه‌زنی‌ها نه بر مدار یک آینده، بلکه باید روی آینده‌های «ممکن»، «محتمل»، «دلخواه» برنامه‌ریزی شود. ضرورت آینده‌نگری و برنامه‌ریزی حوزه در قبال تحولات ناخواسته، حوزه را در جایگاه «انقلابی» قرار می‌دهد. اینکه امام راحل فرمودند: «ما مکلفیم تا علاوه بر این که وضع فعلی را حفظ

کنیم، نگهبان آینده نظام و اسلام باشیم. ما باید پایه گذار خوب آینده باشیم» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۴۲)، آیا این جز با آینده‌نگری و آینده‌پژوهی امکان‌پذیر است. آنچه امروز مشاهده می‌شود، آسیب‌هایی است که سیستم مدیریتی حوزه در دام آن‌ها گرفتار است (ستوده‌نیا، ۱۳۹۱). در ذیل، به سه آسیب موجود اشاره می‌شود:

۱. **آسیب واپسگرایی:** مهم‌ترین آسیب حوزه علمیه در مقابل «آینده‌نگری» آن است که بر اساس روش تکاملی و خطی تاریخی، همواره خود را بر مدار تجربه‌های گذشته قرار دهد و تحول جهشی از آن را انحراف از مسیر بداند. شرایط بسیار متفاوت امروزی با دنیای سنت گذشته به ما می‌آموزد اصرار بر ادامه «تصمیم‌گیری صرفاً بر اساس تجارب گذشته»، غفلت از رصد تغییرات آتی را در پی خواهد داشت و با تلخکامی روبه‌رو خواهد شد. امام خمینی با تحول‌بنیادی در بسیاری از روش‌ها و رویکردها، توانست انقلاب اسلامی را به وجود آورد. اگر او بر تجربه پذیرش اجباری و تسالم بر وجود شاهنشاهی در کنار «ولایت فقیه» باقی می‌ماند و مانند نظریه «دولت در دولت» شیخ مفید که ششصد سال مبنای فکر سیاسی در تشیع بود. هرگز موفق نمی‌شد. اگر امام «ره» مبنای «دولت تلفیقی» فقیه سلطان عادل اذنی محقق کرکی که دویست سال جایگزین الگوی شیخ مفید شد و «دولت تلفیقی» فقیه سلطان مشروط، علامه نائینی را می‌پذیرفت، به‌طور قطع امروز شوکت انقلابی مکتب اهل‌البیت (ع) در دنیا طنین‌انداز نبود. اما زمانی به طراحی آینده و عبور از تجربه‌های تلخ گذشته اقدام کرد که فرمود «اصل نظام شاهنشاهی از اول نظام باطل و غلطی بوده است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۴، ص ۲۹۰).

۲. **آسیب منفعت‌گرایانه:** وجود این تفکر در حوزه علمیه باعث شده است برخی تصور می‌کنند، سنت ارزشمند سیره سلف صالح را نباید فدای آینده‌ای کرد که عدم قطعیت خصیصه ذاتی آن است. همین امر سبب شده است تا برای همان‌ها، بی‌تدبیری و دوراندیشی و آینده‌نگری توجیه شود و فرصت‌های گران‌بها را از دست بدهند. متأسفانه حاکمیت این تفکر در حوزه سبب خسارت‌های زیادی شده است و ناکارآمدی حوزه در برابر تحولات دنیای متغیر امروزی، متأثر از این اندیشه است.

۳. **آسیب واکنش انفعالی:** روشن است که عدم اشراف به تحولات آینده و فقدان برنامه‌ریزی برای آینده‌های محتمل، حوزه را در جایگاه انفعالی قرار می‌دهد.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

ه) ناتوانی در اتصال حلقه وفاداری بین نظام اصالی و نیایی

یکی از ابعاد عقلانیت انقلابی حوزه، وفاداری نسبت به هویت اعتقادی، تعلق به بنیادهای معرفتی، تعهد نسبت به اصول، التزام به ارزش‌های برخاسته از حوزه است. چنین علقه‌هایی در حوزه سبب بالندگی، پویایی و پایایی آن شده است. همه اعضای آن با رضایت، خرسندی و خشنودی تلاش می‌کنند تا به اهداف و ارزش‌های نهادی حوزه کمک کنند. حاکمیت چنین رویکردی بر حوزه علمیه در طول تاریخ موجب شده است مجموعه‌ای به هم پیوسته، منسجم و مکمل شکل بگیرد تا در فرایند دستیابی به اهداف خویش با فرهنگ‌سازی بیرونی و جامعه‌پذیری درونی مسیر تکاملی خویش را بپیماید. انسجام درونی حوزه، برای این نهاد شرایطی را به وجود آورده است تا برخلاف خیلی از نهادهای مشابه، نوعی وفاداری نهادی در درون خویش به سامان برساند که نتیجه آن پیروزی انقلاب اسلامی بود. ویژگی‌های برجسته نهادی در حوزه به شرح ذیل است:

۱. عنصر معنویت، اخلاص و قرب الهی، خمیر مایه هویت سازمانی در حوزه است و افراد حوزوی انگیزه الهی و اهداف متعالی دارند.
۲. هر طلبه و فاضل حوزوی با کلیت سازمان حوزه سازگار است و احساس هویت صنفی و سازمانی دارد؛ و وفاداری صنفی، سبب فداکاری و تلاش مضاعف و زمینه بروز خلاقیت‌های داخلی شده است.
۳. در حوزه، افراد متناسب با علاقه، استعداد و مهارت‌های خود خدمت می‌کنند که نتیجه آن نشاط و تلاش خستگی‌ناپذیری است. نشاط سازمانی سبب شده است تا اعضای حوزه از غیبت، تأخیر و ترک تعلق خویش به حوزه، پرهیزکنند.
۴. هر فرد به لحاظ شئون اجتماعی، شخصیت قابل احترامی دارد و یکی از بالاترین عواملی که می‌تواند حس اعتماد به نفس را در فرد برانگیزد، کاری است که انسان با انجام‌دادن آن، احساس رضایت، احترام و مفیدبودن می‌کند.
۵. شوق پیشرفت و ارتقای علمی و داشتن غنای معنوی، تصویر خوشایندی از کار و سازمان حوزوی برای طلبه به وجود می‌آورد. نظام حوزه هم به این ذهنیت کمک می‌کند.
۶. احساس همدلی، هم‌افقی و همراهی همه حوزویان، اعم از مراجع، استادان و طلاب، سبب تقویت انسجام درونی و حرکت پرشتاب از وضع موجود به

سمت وضع مطلوب است و همگان تلاش می‌کنند تا به ارتقای کمی و کیفی حوزه کمک کنند.

۷. نظارت درونی و غیرتحکم‌آمیز، فضای فرهنگی و معنوی‌ای در حوزه به وجود آورده است تا افراد و ساختارها با رضایت کامل به اصلاح خویش اقدام کنند.

۸. تصمیم‌گیری‌های باز و رضایت‌بدنه حوزویان به نظرات بزرگان حوزه در امور و سرنوشت مشترک حوزوی احساس تعلق و رضایت را در حوزه افزایش داده است تا همه روحانیون، تغییرات سازمانی و نهادی را بپذیرند. این‌ها برخی خصایص نهادی و سازمانی است که در عقلانیت نهادی حوزه علمیه وجود دارد و حوزویان را نسبت به سازمان خویش وفادار نگاه داشته است. در جریان انقلاب اسلامی، شاکله مستحکم حوزه، پشت سر رهبری انقلاب اسلامی قرار گرفت و سبب پیروزی شد. در سال‌های اولیه انقلاب به دلیل احساس هویت مشترک «نظام اسلامی» و «حوزه علمیه» وفاداری مشترکی در دو نهاد وجود داشت. اما به تدریج این عقلانیت دچار آسیب شده است به طوری که امروز در «نوع وفاداری» حوزه، ابهاماتی به شرح ذیل مشاهده می‌شود (مهاجرنیا، ۱۳۹۶، ص ۱۸۹).

۱. وفاداری به حوزه، مستقل از وفاداری به نظام سیاسی: ناکارآمدی‌هایی که در سیستم اجرایی نظام در دستیابی به اهداف انقلاب اسلامی ظهور کرد، سبب شد برخی حوزویان به این سمت گرایش یابند که حوزه نباید سرنوشت خود را به سیاست گره بزند، و همین امر سبب شده است تا به اعتقاد برخی بزرگان حوزوی، روحیه انقلابی حوزه کمرنگ شود.

۲. وفاداری به نظام ولایت سیاسی معصوم (ع) مستقل از وفاداری به نظام نیایی ولایت فقیه: اختلاف‌هایی که در دیدگاه‌های فقهی وجود دارد، به تجربه چهار دهه انقلاب اسلامی تسری داده شده است و برخی از منظرهای حوزوی به این نتیجه رسیده‌اند که وفاداری آن‌ها معطوف به ولایت معصوم است و از تعلق، تعهد و التزام به نظام نیایی، بعضاً دچار ابهام‌اند. این امر موجب شده است هویت انقلابی این دسته از حوزویان، مورد پرسش قرار گیرد.

۳. وفاداری به اصل نظام یا به شخص ولی فقیه: در میان حوزویان این نگرش شکل گرفته است که میان وفاداری به اصل نظام اسلامی با وفاداری به شخص حاکم اسلامی تمایز دیده شود. جمعی بر این باورند که اصل نظام را که همان اصل



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

اسلام است، قبول دارند؛ اما عدم وفاداری به شخص حاکم، خللی ایجاد نمی‌کند. همین امر سبب شده است جمعی از صاحب‌نظران، معتقدان به شخص حاکم اسلامی را وفادار و دارای التزام فکری و عملی به نظام بدانند و دیگران را غیرملتزم به ولایت فقیه تلقی کنند و بالطبع داخل در طیف «حوزویان غیرانقلابی» جای دهند.

۴. وفاداری به ولی فقیه یا به نوع و ساختار رژیم (ساختارهای مردم‌سالارانه):
فراز و فرود تحولات سیاسی، رویکردی را به وجود آورده است که برخی صاحب‌نظران دچار دوگانگی وفاداری شده‌اند. به طوری که گاهی نسبت به شخص ولی فقیه اظهار ارادت دارند، اما نسبت به نهادهای اجرایی، تقنینی، یا قضایی این سیستم، احساس تعلق نمی‌کنند، بلکه منتقد جدی آن هستند. در مقابل جمعی هم تمایل به دولت (اصولگرا یا اصلاح‌طلب یا معتدل) همسوی با رویکرد سیاسی خود دارند، ولی حمایت قاطع از اصل نظام یا از ولی فقیه نشان نمی‌دهند.

آنچه در موضوع ناتوانی در اتصال حلقه وفاداری بین نظام اصالی و نیایی به مثابه آسیب مورد نظر نگارنده است، اینکه متون نظری «ولایت‌گرایی» به ولایت معصوم (ع) منحصر شود و از نظام ولایی عصر غیبت که مشروعیت آن از ولایت معصوم (ع) است، غفلت شود.

نتیجه‌گیری

حوزه علمیه به عنوان قدیمی‌ترین نهاد علمی و فرهنگی، بزرگ‌ترین پایگاه مکتب اهل‌البیت (علیهم‌السلام) بوده است. نقش انقلابی‌گری در تحولات معاصر از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جایگاه ویژه‌ای برای این حوزه ترسیم کرده است. پیوند حوزه با پیروزی انقلاب اسلامی، سرنوشت مشترکی برای این دو به وجود آورده است. به طوری که چالش‌ها و آسیب‌های سیاسی هر یک، به پای دیگری هم نوشته می‌شود. جایگاه نوین برای حوزه علمیه، یک هویت و «عقلانیت انقلابی» به وجود آورده است که هر گونه آسیب در آن سبب جدایی حوزه از نظام اسلامی و روحیه انقلابی می‌شود. فعال‌بودن دستگاه اجتهادی و تولیدی اندیشه سیاسی، توانایی حل تعارضات درونی و تزااحات خارجی، مدیریت حل بحران‌ها و عبور از گسل‌ها و گسست‌ها، تحکیم وفاداری‌ها و التزامات فکری و اعتقادی، آینده‌نگری در چارچوب منظومه فلسفه سیاسی اسلام، و آزاداندیشی و رهایی از تعصب،

تجبر، تصلب، قشری‌گری و واپس‌گرایی و مانند این‌ها ویژگی‌های عقلانیت حوزه انقلابی است که سبب پویایی و پایایی آن در عرصه حیات سیاسی می‌شود و مهم‌ترین آسیب‌های حوزه انقلابی هم خدشه در شاخصه‌های یادشده است. به باور نگارنده بازگشت به شاخصه‌های حوزه انقلابی مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای نیازمند برنامه‌ریزی جدی برای «آسیب‌زدایی» در پنج لایه آسیب‌زده در حوزه است. در بخش آسیب سترونی تولید معرفت، حوزه علمیه نیازمند تعریف مأموریت تولید نظریه و معرفت در برنامه‌ها و اهداف خود است تا با مهندسی علم، مدیریت پژوهش و ساماندهی پژوهشگران و بسترهای لازم برای خردورزی در یک فضای آزاد، زمینه اندیشه‌ورزی را برای عقل جمعی حوزویان مهیا کرده و با طراحی نقشه جامع علمی و برقراری پیوند وثیق میان واقعیات و نیازها با دستگاه تولید معرفت است. در بخش آسیب‌های تعارض ادله و تراحم احکام، به نظر می‌رسد حوزه در گام نخست، باید مراکز پژوهشی را مأمور شناسایی موارد خاص این آسیب در عرصه‌های علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کند و باب خاصی در عرصه دانش‌های حوزوی به‌ویژه در فقه و اصول فقه، برای آن باز کند تا با شناسایی و تدوین اصول، قواعد، و روش‌های تعادل و تراجم میان ادله و احکام و موضوعات، وظیفه انقلابی حوزه را در عصر حاضر مشخص کنند.

در زمینه آسیب سوم یعنی تجبر، تنگ‌نظری و مقدس‌مآبی حقیقت آن است که این آفت محصول جهل، خرافات، خردستیزی، انتقادناپذیری و عوامل روان‌شناختی شخصیتی است که راهکار آن گسترش مرزهای معرفت، عقلانیت، فضای آزاداندیشی، نقد و مناظره است که دستیابی به آن از راه اصلاح سلاختارهای موجود مدیریتی حوزه و مشارکت‌دادن نخبگان و مراکز علمی حوزوی در عرصه تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اختیار دادن به مرکز مدیریت حوزه برای تحقق تصمیم‌گیری‌هاست. آسیب فقدان آینده‌نگری و آینده‌پژوهی در حوزه و در سیستم آموزشی و پژوهشی، آسیبی مدیریتی است که فعلاً به اراده مراجع عظام تقلید و مدیریت تحت نظر آن‌ها وابسته است. اما آسیب عدم وفاداری به نظام سیاسی اسلامی از مشکلاتی است که بخشی از آن ناشی از مبانی فکری، بخشی ناشی از ناکارآمدی‌های موجود، بخشی حاصل تنگ‌نظری‌های سیاسی و فرهنگی است که رفع هر یک از این عوامل نیازمند تدبیری خاص و راهکاری متناسب است که در جای خود باید به آن پرداخت.



فصلنامه
علمی
تخصصی

سپهر سیاست
سال چهارم
شماره چهاردهم
زمستان ۱۳۹۶

منابع

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). نرم‌افزار حدیث ولایت؛ مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴). حدیث ولایت. تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای.
- موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). صحیفه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی دین‌پژوهی معاصر. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- دژاکام، علی (۱۳۷۷). تفکر فلسفی غرب از منظر استاد شهید مرتضی مطهری. تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر.
- ستوده‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲). الگوی مدیریت بحران‌های سیاسی اجتماعی از منظر امیرالمؤمنین علی (ع). پژوهش‌نامه علوی، شماره ۲.
- شریفی، اکبر (۱۳۹۵). حوزه انقلابی، بیانات امام خامنه‌ای در رابطه با حوزه انقلابی. قم: میراث ماندگار.
- شریفی، اکبر (۱۳۹۶). منشور انقلابی‌گری، در نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، قم: نشر معارف.
- علی‌پور وحید، حسن (۱۳۹۶). حوزه انقلابی و چالش اسلام رحمانی. قم: ارمغان کوثر.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۳). اخلاق حرفه‌ای. تهران: انتشارات مجنون.
- مجموعه مقالات، فلسفه اخلاق (۱۳۸۰). ترجمه جمعی از مترجمان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). مجموعه آثار. جلد ۲۴، چاپ سوم، تهران: صدرا.
- دوورژه، موریس (۱۳۶۷). جامعه‌شناسی سیاسی. ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی جریان اصولگرایی. قم: نور مطاف.
- مهاجرنیا، محسن (۱۳۹۳). فلسفه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- هورنای، آ. اس. (۱۳۸۲). فرهنگ پیشرفته آکسفورد. چاپ نهم، تهران: مؤسسه نشر جهان دانش.